



● مترجم: بهرام یعقوبی

1983 witty world INTERNATIONAL
CARTOON MAGAZINE WITH PERMISSION
witty world no. 16

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پت الیفانت

اشاره

پت الیفانت به دلیل دو ویژگی کیفیت بالای کار هنری و جسارت در بیان عقاید مشهور است. بسیاری از مردم وی را برای قدرت و صراحت بیانش می‌ستایند و جمعی دیگر از وی متنفرند. اما خشم وی که در قالب هنر کاریکاتور بر روی کاغذ نقش می‌بندد، افتخارات و جوایز بسیاری از جمله جایزه پولیتزر و جایزه ریون را برایش به ارمغان آورده است. که ما را به شک می‌اندازد و اینطور به نظر می‌رسد که خشم الیفانت هدف خاصی را دنبال می‌کند. لی کارلسون از واشنگتن دی سی مصاحبه زیر را برای مجله «ویتنی ورد» انجام داده است.

ویتنی ولد: چطور شد که به ایالات متحده آمدید؟
پت الیفانت: در ۱۹۵۹ به همراه یک تور. در استرالیا، برای روزنامه‌ای کار می‌کردم که معتقد به فرستادن کارکنان خود به دورترین نقاط دنیا برای

تحقیق و کسب آگاهی بود. آنها مرا به یک سفر ۶ ماهه دور دنیا برای ملاقات با کاریکاتوریستهای دیگر کشورها و آشنایی بیشتر با مردم سرزمینهای دیگر روانه کردند. پس از بازگشت از این سفر، قرارداد پنج‌ساله‌ای با آنها بستم. از آنجا که خیلی دلم می‌خواست ببینم که آمریکا چگونه محیطی است، بلافاصله پس از پایان مدت قراردادم در استرالیا به اینجا آمدم (سال ۱۹۶۴).

ویتنی ورد: همکاری شما با «دنورپست»^۱ از چه زمانی آغاز شد؟

پت الیفانت: از همان سال ورودم (۱۹۶۴)، اصلاً به همین دلیل بود که به اینجا آمدم.

ویتنی ورد: آیا پیش از اینکه برای همیشه استرالیا را ترک کنید، با «دنورپست» کار کرده بودید؟
پت الیفانت: زمانی که در آنجا بودم برای بیشتر نشریات آمریکایی کار می‌فرستادم. یکی از دوستان آمریکاییم در استرالیا توجه‌ام را به مطلبی در مجله «تایم» جلب کرد که در آن عنوان شده بود پائول

کنرال^۲ از «دنورپست» رفته است و آنها به دنبال این هستند که کار متفاوتی را ارائه دهند. این موضوع به زمانی بر می‌گردد که روزنامه‌ها واقعاً روزنامه بودند. باور اینهمه تغییرات خیلی مشکل است، ولی واقعیت این است که این تغییرات صورت گرفته است. ویتنی ورد: آیا در استرالیا به مدرسه هنری رفته بودید؟

پت الیفانت: به طور پراکنده و برای مدتی کوتاه. در استرالیا مدارس هنری خوبی وجود نداشت، ولی در همین مدت کوتاه و در آموزشهای پراکنده مطالبی پیرامون طراحی آموختم. از آنجا که کار اینگونه مدارس چندان چنگی به دل نمی‌زد، بخش عمده‌ای از آموخته‌هایم به مطالعات و تجربیات شخصی‌ام از جمله دیدار با مردم، افراد سیاسی، سیاستمداران و مطالعه زیاد بر می‌گردد. این مسئله سبب شده است که در جریان کار و مطالعه به مطالب پایه‌ای و ابتدایی‌ای برخورد کنم که اگر از همان آغاز به طور کلاسیک و منظم آموخته بودم، مسلماً ترک و یادگیری



THE COALITION WANTS TO THANK YOU FOR THE MAGNIFICENT RESTRAINT ISRAEL HAS EXERCISED DURING THIS MOST PROVOKING AND TRYING PERIOD. YOU HAVE GREATLY ASSISTED OUR EFFORTS TO SECURE THE WHOLE REGION!



PAY HIM IN LARGE BILL RUBLES!

GOOT - YOU OWE US THIRTEEN BILLION DOLLARS.



OLIVANT

کبی می‌کنند، اختراع شده است. اینها هیچ توجه‌های به تاریخ این هنر ندارند. کارتون شبانه‌دار (استریپ) برگه برست^{۱۳} یک کبی صرف است. من حتی نمی‌خواهم اسم او را بر زبان بیاورم. شنیده‌ام به دلیل برخی حرف‌ها و انتقاداتی که پیرامون «انجمن کاریکاتوریست‌های مطبوعاتی آمریکا»^{۱۵} داشته‌ام، قصد در افتادن با مرا دارد. او برنده جایزه پولیتزر^{۱۶} شد و طبق معمول بنده، مضروب کمیته پولیتزر، بگذاریم من سالهای زیادی است که حاضر نشده‌ام با وارد شدن به جرگه پولیتزرها خودم را کوچک و کم قدر کنم. پولیتزر کاملاً سیاسی است. اینگونه جوایز اهمیت و ارزش کمی دارند، ولی متأسفانه اذهان توده مردم را فریب داده، به خود جلب می‌کنند و از این طریق به طور کاذب برای برندگان این جایزه کسب آبرو و اعتبار می‌کنند.

ویتی ورلد: آیا شما همه کارهایتان را خودتان انجام می‌دهید؟

بت الیفانت: آه، بله! نمی‌توانم این را تصور کنم که در انجام کارهایم حکم پیمانکار را داشته باشم و اجرای کارها را به مقاطعه بگذارم. به نظر می‌رسد که بسیاری از کاریکاتوریست‌های سندیکیایی حداقل کسی را برای طراحی حروف و کارهایی از این دست در استخدام خود دارند. شنیده‌ام که جیم دیویس^{۱۷} خالق کارفیلد^{۱۸} یک استودیو پر از کارمند دارد. ویتی ورلد: بله، معیار من برای مشخص کردن یک هنرمند از یک تصویر ساز این است که هنرمند ایده‌ها و احساسات خود را بیان می‌کند، در حالی که یک تصویر ساز تجاری ایده‌ها و احساسات شخص دیگری را.

بت الیفانت: با این حساب باید کاریکاتوریست‌ها را در گروه «هنرمندان» قرار دهیم، برای اینکه معتقدم باید این کار را به خاطر خودم انجام دهم. اگر کارم فروش رفت، زهی سعادت! اگر فروش نرفت، باز هم

سیاسی شناخته شده است، کاملاً مناسفات دارد. من همواره به کاربرد فضاها و خطوط سیاه و سفید در هنر علاقه زیادی داشته‌ام. کارم در استرالیا فرصت خوبی برایم به وجود آورد تا با بسیاری از هنرمندان برجسته از جمله هنرمندان انگلیسی مانند دیولووه^۷ و دیگرانی از همان نسل، که استاد طراحی کاریکاتور بودند، آشنا شده، سروکار داشته باشم.

ویتی ورلد: آیا این مسئله بر روی شیوه طراحی شما تأثیر گذاشته است؟ من نمی‌دانم در آن زمان چه شیوه طراحی در استرالیا و انگلیس شیوه غالب بوده است. اما در اینجا تا اواسط دهه ۱۹۶۰، هر کس که بر می‌خورد (در زمینه کاریکاتور سیاسی) شبیه هر بلاک^۹ یا بیل‌مالدین^۹ طراحی می‌کرده است. اگر چه جان فیشتی^{۱۱} تا اندازه‌ای فرق می‌کرد.

بت الیفانت: فیشتی فرق می‌کرد. او اولین تنفس هوای تازه پس از جنگ جهانی دوم بود. در شیوه مالدین تأثیرات زیادی از دومیه^{۱۱} دیده می‌شود. غیر از وی (فیشتی) یک جور ایستایی و رکود در این کشور وجود داشت. هنرمندان دیگری بودند که نسبت به وی تأثیر بیشتری روی من داشته‌اند که عبارتند از: دیو لووه، کامینگز^{۱۲} یا جلیس^{۱۳}. بعلاوه تعداد زیادی منبع و کتاب که به دوران جنگ جهانی اول تعلق داشتند، نیز مؤثر بوده‌اند. من از ابتدا تا کنون از این منابع سود جسته، از مطالبشان اشباع شده‌ام. تأثیر مناسبتی از این دست هنوز اینجا و آنجا در کارهایم به چشم می‌خورد. این جالب است که چطور هنوز که هنوز است، تأثیرات این سرچشمه‌ها (که در واقع تأثیرات آزموده‌ها و آموخته‌های اولیه من است) از درونم تراوش می‌کند.

ویتی ورلد: امروز دیده می‌شود که بسیاری از فرد مشخصی تقلید می‌کنند؟

بت الیفانت: این دسته تصور می‌کنند که هنر کاریکاتور توسط کسی که آنها از وی تقلید و

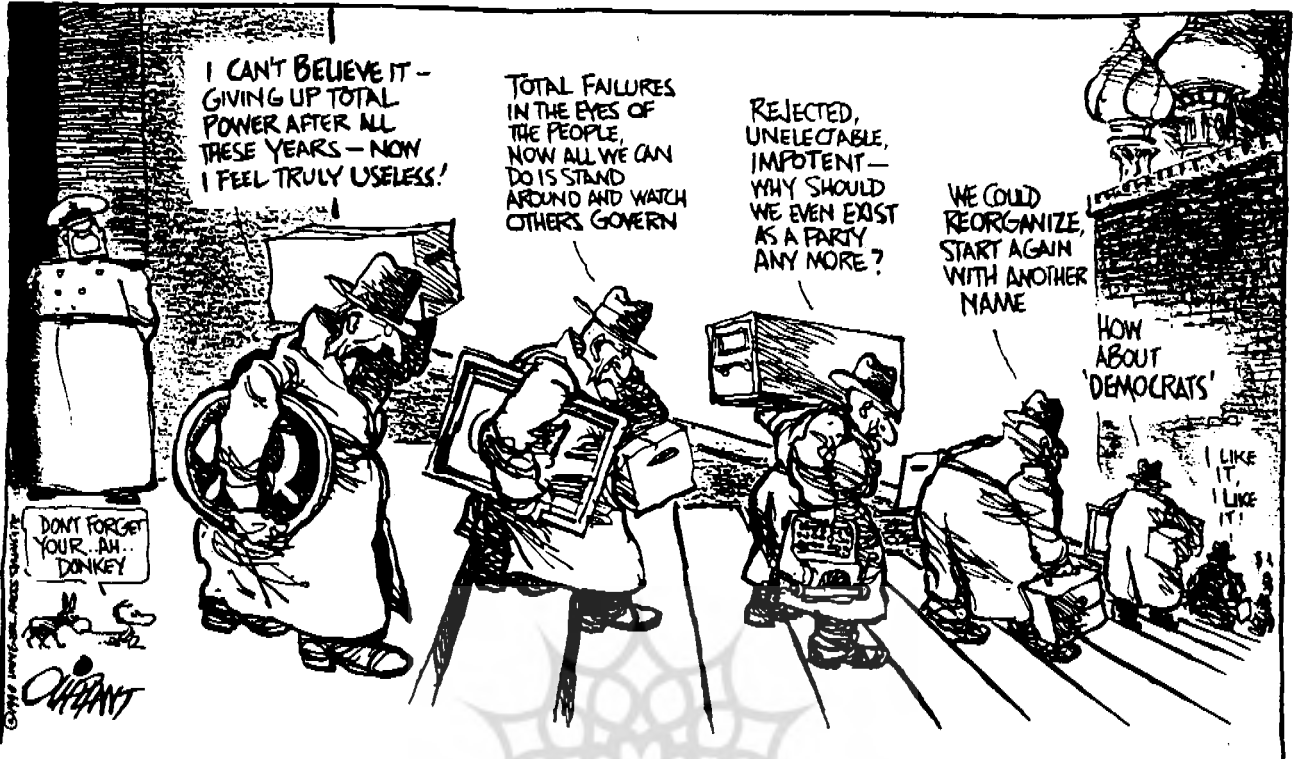
بسیاری از مفاهیم و مقولات برایم آسانتر می‌شد. به طور مثال، این مقولات می‌توانست شامل کیفیت و قابلیت مواد مختلف اولیه کار، اجینگ^۵، عکاسی و هر موضوعی که به نوبه خود شروع و عامل محرکی، هر چند کوچک، برای فکر و ذهن بود، می‌شد. چیزهای دیگر به خود آدم مربوط می‌شود. همه چیز بر می‌گردد به آموختن طراحی از هر چیزی که بنظرتان برسد. بسیاری به دلیل اهمیت ندادن به این موضوع زبان کرده‌اند. از دهه ۱۹۵۰، به بعد، نقاشان زیادی بودند که با نیاموختن روش طراحی ادای طراحان را در آورده‌اند. آنها به «اکسپرسیونیست‌های انتزاعی» معروف بودند و هیچگاه اصول طرحی را نیاموختند. ویتی ورلد: در کنار کاریکاتورهای مطبوعاتی، چه کارهای دیگری انجام داده‌اید؟

بت الیفانت: عملاً کارهایم تنها طراحی کاریکاتور بوده است. آنها از شما انجام کاری را می‌خواهند که می‌دانند به بهترین وجهی از پس آن بر خواهید آمد. اما الان روی آبستره هم کار می‌کنم. یعنی عرصه‌های وسیعی از اکسپرسیونیسم که ارزش غور و تفحص را دارد. من واسطه‌های دیگری را نیز آزموده و تجربه کرده‌ام. به عنوان مثال، لیتوگرافی که در واقع انتقال و گذار ساده‌ای از خطوط سیاه و سفید طراحی یا قلم یا قلم‌مو است که خطوط سیاه پر رنگتر و برجسته‌تری را خلق می‌کند. خطوط و لکه‌های سیاهی که شما به هیچ روش دیگری نمی‌توانید آنها را به وجود آورید. مجسمه‌سازی هم همینطور، من تا ۱۰ سال پیش این را نمی‌دانستم.

ویتی ورلد: اولین بار در چه زمانی به کاریکاتورهای سیاسی علاقه‌مند شدید؟

بت الیفانت: من همیشه در معرض کاریکاتورهای سیاسی بوده‌ام و با آنها سروکار داشته‌ام. در این زمینه در استرالیا، سنت و پیشینه خوبی وجود دارد که با ماهیت کشوری که به عنوان یک مملکت غیر





به چاپ می‌رسید. درآمد خیلی خوب بود، اما من نمی‌خواستم با این روش پول درآورم. ترجیح می‌دادم که هیچ کاری انجام ندهم، زیرا از ادامه آن متنفر بودم.

ویتنی ورد: وقتی شما کاریکاتورهای سیاسی کار می‌کنید، آیا تعداد آنها بر مبنای روز است، هفت روز در هفته؟

پت الیفانت: خیر. همین الان در هفته ۵ کار انجام می‌دهم (روزی یکی) که دوست دارم ۴ تا در هفته باشد. سعی می‌کنم جلو باشم، اگرچه همیشه اینطور نمی‌شود.

ویتنی ورد: با این وصف فکر می‌کنم مشکل بتوانید وقتی برای استراحت و استفاده از تعطیلات و مرخصی داشته باشید.

پت الیفانت: باید استراحت و تفریح کرد. در طول تعطیلات و استراحت، شما به خلق دوباره خود می‌پردازید. در تعطیلات آخر هفته، دست به کار نمی‌زنم. باید باطریها را دوباره شارژ کرد.

ویتنی ورد: وقتی که قرار است به مرخصی بروید، آیا کار هفته بعدی را که حضور ندارید از پیش انجام می‌دهید یا به یابیه آنها اجازه می‌دهید که گزینه‌های از بهترین کارهای شما را چاپ کنند.

پت الیفانت: در این مواقع، سندیکا یکی از افراد راجایگزین می‌کند. در فهرست من آنها از تونی ات یا شخص دیگری استفاده می‌کنند.

ویتنی ورد: آیا شما با ترکیبی از قلم مو و قلم کار می‌کنید؟

پت الیفانت: سیاسی - اجتماعی. این کار حدوداً ۶ یا ۷ ماه ادامه داشت، پس از آن از ادامه همکاری با آنها عذر خواستم. کارها در ۷۰ روزنامه

گفت: «مابلی به گروه شکست خورده بی‌پناهی ملحق شوی؟» مثل این بود که بگوید حضاری سوار کشتی تایتانیک شوی! من پاسخ مثبت دادم و سرانجام همانطور که پیش بینی می‌شد این کشتی غرق شد.

ویتنی ورد: واقعه تلخ و ناکواری بود، چرا که «واشنگتن استار» در آن سالها روزنامه معتبر و بزرگی بود.

پت الیفانت: بیلون می‌توانست دوباره آن را به یک روزنامه خوب تبدیل کند.

ویتنی ورد: آیا هرگز در مورد اجرای یک استریپ به صورت سندیکایی فکر کرده‌اید؟

پت الیفانت: برای اینکه انسان بخوبی از پس انجام کار به شیوه سندیکایی برآید، باید به آن عشق و علاقه داشته باشد. در غیر این صورت نباید دست به این کار زد. بعلاوه باید شخصیت کسانی را که با آنها سروکار دارید، دوست داشته باشید و موافق میل شما باشند، زیرا می‌خواهید، با این افراد زندگی کنید. زمانی، «یونیورسال ۲۲»، از من خواست یک استریپ کار کنم که پذیرفتم و برای مدتی این کار ادامه داشت. قضیه به ۵ سال پیش مربوط می‌شود. من از این کار متنفر بودم و برای آزار و شکنجه‌ای بیش نبود. این شیوه کار با خصوصیات من سازگاری نداشت.

ویتنی ورد: نام این استریپ چه بود؟

پت الیفانت: «پانگ» که شخصیت اصلی آن یک بنگون بود.

ویتنی ورد: آیا یک کار سیاسی بود؟

پت الیفانت: سیاسی - اجتماعی. این کار حدوداً مدت ۶ یا ۷ ماه ادامه داشت، پس از آن از ادامه همکاری با آنها عذر خواستم. کارها در ۷۰ روزنامه

به آن ادامه می‌دهم. ویتنی ورد: این همان چیزی است که به کار ارزش می‌دهد و آن را از یک حرفه و شغل صرف فراتر می‌برد.

پت الیفانت: من هرگز به چشم یک حرفه و شغل به این کار نگاه نکرده‌ام. خیلی وقتها می‌شود که وقت همین‌طور می‌گذرد و زمان تحویل کار نزدیک می‌شود و پیش خودم فکر می‌کنم که خداکند تا فردا کار را تمام کنم، اما آنچه که انسان را به حرکت و انجام کار ترغیب می‌کند همان برخورد هنری و به هنر با دید یک شغل نگاه نکردن است.

ویتنی ورد: جک دیویس^{۱۱} در مصاحبه‌ای گفته است که وی اغلب تا آخرین دقیق پایان مهلت کار صبر می‌کند، آنگاه پشت میزش می‌نشیند و کار را اجرامی‌کند.

ویتنی ورد: آیا زمانی که همکاری خود را با «دنورپست» شروع کردید، در دنور زندگی می‌کردید؟

پت الیفانت: بله، من روز جمعه کارم را در استرالیا ترک کردم و دوشنبه بعد در دنورکلرادو کارم را آغاز کردم. در طول راه می‌بایست توقف می‌کردم، اما برای رسیدن به اینجا صبر و قرار نداشتم. در آن زمان، مبارزه جانسون و گلدواتر در جریان بود و من می‌خواستم وارد این معرکه شوم.

ویتنی ورد: چه چیزی موجب شد که با «واشنگتن استار» همکاری کنید؟

پت الیفانت: در «دنورپست» وضع خوب بود. روزی جیم بیلون^{۲۱} که بتازگی به سمت سردبیری «واشنگتن استار» منصوب شده بود، به من تلفن زد و

آنها کار می‌کنم. معمولاً استفاده از هر یک بستگی به آن روز معین و موضوع مشخصی دارد که می‌خواهم روی آن کار کنم. ممکن است از سطوح و بافت زبر یا برعکس، نرم استفاده کنم.

ویتنی وردل: آیا برای پرداخت نهایی کار از مداد استفاده می‌کنید؟

پت الیفانت: گاهی از برول پریماکالر ۲۴ سیاه استفاده می‌کنم. از این وسیله برای زدن تاشهای سیاه و گاهی اگر مناسب ببینم، به عنوان سایه روشن استفاده می‌کنم. برای کار با این وسیله از کاغذ پرس سرد (استراسمور ۲۴) بهره می‌برم. نمی‌خواهم به کاغذهایی که بافت دانه و زبر دارند وابسته شوم. هر بلاک از این نوع کاغذها استفاده می‌کند. کار کردن روی آنها خیلی لذت بخش است. نمی‌دانم تا چه اندازه می‌توان به این نوع کاغذها وابسته شد، زیرا روشهای چاپ در روزنامه‌ها خیلی فرقی کرده است. در بیشتر موارد کارها را خیلی کوچکتر از اندازه واقعی آنها چاپ می‌کنند. وقتی کارهایی که در بسیاری از روزنامه‌های سراسر کشور، مورد استفاده قرار می‌گیرد را می‌بینم از اینکه چه بلائی سر آنها می‌آورند وحشت می‌کنم. خودم را برای هیچ خسته نمی‌کنم، نابودی این یکی از مخاطرات کار سندیگامی است زیرا شما هرگز نمی‌دانید که چه بر سر کارتان می‌آید.

ویتنی وردل: همیشه کنجکام که بدانم دیگران چگونه کار می‌کنند.

پت الیفانت: من هم همینطور.
ویتنی وردل: از این طریق خیلی چیزها می‌توان آموخت.

پت الیفانت: البته، من همیشه در حال آموختنم.
ویتنی وردل: آیا شما کارهایتان را از طریق گالری به فروش می‌رسانید؟

پت الیفانت: بله، اما بجز در مواردی خاص اصل کارهایم را نمی‌فروشم. چیزهایی که به فروش می‌رسانم عبارتند از فتوکپیهای امضا شده‌ای از کارهایم که درست از جنس همان کاغذی است که من طراحی را روی آنها انجام داده‌ام و تقریباً با اصل فرقی ندارند و قابل تشخیص نیستند. البته پس از گرفتن کپی از اصل کار، روی نسخه کپی امضا می‌کنم.

ویتنی وردل: آیا وقتی که شما اصل کارتان را می‌فروشید، یک نسخه کپی از آن را نزد خود نگاه می‌دارید؟

پت الیفانت: بله من همیشه یک کپی از آنها را در فایل خود نگهداری می‌کنم. حال که در عصر کپی زندگی می‌کنیم، جی‌توانیم خیلی از کارها را دقیقتر انجام دهیم.

ویتنی وردل: در بعضی موارد دیده‌ام که سندیگاما چه جور کارهایی را برای چاپ به روزنامه‌ها می‌فرستند. گاهی اوقات دیده می‌شود که چاپ با کیفیت پایین و بر روی کاغذ ارزان‌افست صورت می‌گیرد. آیا تاکنون دیده‌اید که کارهایتان چگونه ارسال می‌شود؟

پت الیفانت: سدیگا تنها تصاویر با کیفیت و چاپ خوب را می‌پذیرد. من اجازه نمی‌دهم که کارهای اشغال فرستاده شوند.

ویتنی وردل: آیا به عنوان مثال آنچه که امروز کار می‌کنید، فردا در روزنامه‌ها چاپ می‌شود؟ یا اینکه

تعداد زیادی کار از قبل انجام می‌دهید و بتدریج آنها چاپ می‌شوند؟

پت الیفانت: می‌تواند اینطور باشد، اما نمی‌دانم در کجا و کدام روزنامه. ممکن است که کارهای امروز در تمامی روزنامه‌های فردا چاپ نشود چرا که به پست بستگی دارد، زیرا همه آنها از طریق پست فرستاده می‌شوند.

ویتنی وردل: آیا شما از پست فدرال اکسپرس یا سرویسهای همانند استفاده نمی‌کنید؟

پت الیفانت: خیر، مگر اینکه نوع ارسال و سرویس پست مشخصی درخواست شود. آنچه در حال حاضر مشغول کار کردن روی آن هستیم انتقال کامپیوتری است و بتدریج داریم به این هدف نزدیک می‌شویم. در این صورت دیگر مجبور نخواهیم بود با سرویس کند پست کارها را بفرستیم.

ویتنی وردل: آیا شما هر روز کار ارسال می‌کنید؟ من کارها را پشت درمی‌گذارم و پستی آنها را می‌برد. کارها باید مسیر سیلور اسپرینگ تا سندیگام کوچک که سندیگام هنرمندان و نویسندگان نام دارد را ببیماید. آنها همه روزه کارها را به بیش از ۵۰۰ روزنامه می‌فرستند. من کارم را تا ظهر تمام می‌کنم و آنها تا قبل از ساعت ۴ بعد از ظهر کارها را به اداره مرکزی پست می‌رسانند.

ویتنی وردل: آیا از اینکه کارهایتان در چه روزنامه‌هایی به چاپ می‌رسد، به طور منظم خبردارید؟

پت الیفانت: خیر، دقیقاً مشخص نیست. درست مثل کار کردن در رادیوست که نمی‌دانید دقیقاً چه کسانی به برنامه شما گوش می‌دهند.

ویتنی وردل: از آنجا که فرستادن کارها به مطبوعات از طریق سندیگاما صورت می‌گیرد، آیا می‌توانید از آنها (سندیگاما) بخواهید که لیست روزنامه‌ها و مجلاتی که کارهایتان در آنها به چاپ می‌رسد، را در اختیارتان قرار دهند؟

پت الیفانت: من می‌دانم که در کدام روزنامه‌ها کارهایم چاپ می‌شود، اما نمی‌دانم چند وقت به چند وقت این کار صورت می‌گیرد. من ماهانه لیست مطبوعاتی که کارهایم، به آنها فرستاده شده را دریافت می‌کنم، ولی دقیقاً نمی‌دانم که هر چند وقت یک بار از آنها استفاده می‌کنند.

ویتنی وردل: مدیر هنری «واشنگتن تایمز» گفته است که اداره پست برای اینکه مانع از رسیدن کارها به تایمز شود، کمیک استریپهای سندیگاما را خریداری می‌کند.

پت الیفانت: بله، آنها دنبال اینجور کارهایند. واقعاً که تجارت کاملاً مسخره‌ای است. ابدأ نباید اجازه چنین کاری داده شود. آنها تعداد بسیاری از کارها را خریداری کرده، هرگز از آنها استفاده نمی‌کنند.

ویتنی وردل: گمان می‌کنم که شما صبحها کار می‌کنید، اینطور نیست؟

پت الیفانت: بله، تابستانها از ساعت ۶ صبح و زمستانها از ۷ شروع به کار می‌کنم.

ویتنی وردل: تا آنجایی که می‌دانم، بسیاری از هنرمندان تا شب هنگام کار می‌کنند.

پت الیفانت: من زیاد مطالعه می‌کنم. برای من بهترین زمان برای مطالعه صبحهاست و عصرها

دوباره شروع به کار می‌کنم.
ویتنی وردل: در پایان ممکن است بگویید که به چه کارهای دیگری علاقه‌مندید؟

من علاقه زیادی به مجسمه سازی و گردش در باغ دارم که تمامی وقت خالی مرا بر می‌کند. این خوب است که انسان همیشه به دنبال آموختن چیزهای جدید باشد.

- 1) PAT OLIPHANT
- 2) DENVER POST
- 3) TIME
- 4) PAUL CONRAD
- 5) ETCHING
- 6) ABSTRACT EXPRESSIONISTS
- 7) DAVE LOWE
- 8) HERBLOCK
- 9) BILL MAULDION
- 10) JOHN FISCHETTI
- 11) DAUMIER
- 12) CUMMINGS
- 13) GILES
- 14) BERKE BREATHED
- 15) ASSOCIATION OF AMERICAN EDITORIAL CARTOONISTS
- 16) PULITZER
- 17) JIM DAVIS
- 18) GARFIELD
- 19) JACK DAVIS
- 20) WASHINGTON STAR
- 21) JIM BELLOWS
- 22) UNIVERSAL
- 23) BEROL PRISMALCOLOR
- 24) STRATHMORE

